





دانشگاه اراک

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی و تحلیل حکمت عملی در شاهنامه‌ی فردوسی

بر اساس اخلاق ناصری

پژوهشگر

بشری عبدالله‌زاده بغلانی

استاد راهنما

دکتر حسن حیدری

استاد مشاور

دکتر محسن ذوالفقاری

تابستان ۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

تحلیل و بررسی حکمت عملی در شاهنامه ی فردوسی بر

اساس اخلاق ناصری

توسط:

بشری عبدالله زاده بغلانی

پایان نامه

ارائه شده بد مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های

تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه اراک

اراک-ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: ^{عالی}.....

دکتر حسن حدادی (استاد راهنما)..... استادیار

دکتر محسن ذوالفقاری (استاد مشاور)..... دانشیار

دکتر زهرا عوسوی (داور داخلی)..... استادیار

شهریور ۱۳۹۱

تقدیم به :

خدایی که آفرید

جهان را، انسان را، عقل را، معرفت را، عشق را

و به کسانی که عشقشان را در وجودم دمید

پدرم

مادرم

برادرم

سپاس‌گزاری

پس از شکر‌گزاری به درگاه خداوند متعال از به انجام رسیدن این پژوهش، بر خود لازم می‌دانم از عزیزانی که در طی این مسیر، حقیر را رهنمون بوده‌اند، نهایت سپاس و ارادت خود را اعلام نمایم. حقا که: «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق». در مرحله علمی کار از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حسن حیدری، استاد محترم راهنما کمال تشکر و سپاس را دارم؛ ایشان که با وجود مشغله‌های زیاد کاری، صبورانه و با سعه صدر مرا راهنمایی نمودند و در جایگاه شاگردی ایشان، بالاترین آرزوها را برایشان دارم که همانا سرفرازی در دنیا و آخرت است. از استاد گراتقدر جناب آقای دکتر محسن ذوالفقاری مشاور محترم نیز مراتب تشکر و قدردانی خویش را اعلام می‌نمایم و خداوند را شاکرم که ضمن کار در این پایان‌نامه، افتخار شاگردی ایشان را به من عنایت فرمود.

از تمامی اساتید محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک کمال تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده

این نوشتار به منظور تهیه یک چهارچوب منظم از حکمت عملی در شاهنامه است. برای رسم این چهارچوب مبنا را بر تقسیم‌بندی حکمت عملی در کتاب اخلاق ناصری قرار داده‌ایم. در این پژوهش برخلاف تحقیقات پیشینی که در زمینه اخلاق در شاهنامه صورت گرفته است، جامعیت بیشتری از لحاظ مطالب حکمی ملاحظه می‌کنیم و به جای محدود کردن موضوعات مربوط به حکمت عملی، همه نکات اخلاقی موجود در شاهنامه را یکجا مورد بررسی قرار داده‌ایم.

در این پژوهش به چند نکته جدید دست می‌یابیم، از جمله این که فردوسی قبل از تدوین کتب مستقل در حکمت، به انواع حکمت عملی حتی ریزترین نکات چشم داشته است و نکته‌ای را فرو نگذاشته است؛ حتی در مورد فضایل اخلاقی، نکات بیشتری از حکمت عملی و تهذیب اخلاق را نسبت به دیگران در شاهنامه به کار برده است. آنچه در این تحقیق چشم‌گیر است تلفیق حکمت عملی یونانی و اسلامی در شاهنامه است.

اما نقطه برتری حکمت عملی فردوسی بر خواجه نصیر که در این نوشتار به آن نائل شدیم، این است که فلسفه و حکمت فردوسی دارای صبغه‌ای دین‌گرایانه است، وی تهذیب نفس و اخلاق انسان را تحت اراده مستقیم خداوند می‌داند.

فردوسی به طور عمده نکات مربوط به حکمت عملی خود را در این تحقیق بر پایه سه ستون توحید و خرد و عدالت بنا نهاده است.

اندیشه‌هایی را که فردوسی در مورد فضیلت عدالت و سیاست امور مملکت و خانواده (سیاست مدن و تدبیر منزل) به کار می‌برد بسی گسترده‌تر از نکاتی است که در کتاب اخلاق ناصری استفاده شده است.

کلیدواژگان: فردوسی، خواجه نصیر، حکمت عملی، شاهنامه، اخلاق ناصری.

پیش‌گفتار

حکمت و اخلاق ثمره‌های انسانیت هستند. اگر اخلاق مهم نمی‌بود، بزرگ‌ترین الگوی انسانیت بشر، پیامبر اسلام (ص) این جمله معروف خود را بیان نمی‌فرمود: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» و نیز این سخن حضرت «الحکمه ضاله المومن». حکمت نظری و عملی به ترتیب عبارتند از علم به تکالیف و وظایف انسانی و اجرای آن علم و وظایف. انسان به‌عنوان موجودی عاقل و مختار، برای پیشبرد زندگی خود به‌سوی کمال باید قوانینی را اجرا کند.

اگر بخواهیم تعریف دقیق‌تری از حکمت عملی داشته باشیم باید بگوییم: حکمت عملی، علم و فنی است که به انسان چگونه زیستن را می‌آموزد.

حکمت عملی، غالباً به مفاهیم عدل و داد، علم و دانش، دانایی، راستی، پند و اندرز و دوری از رذایل و عمل به فضایل است.

حکمت عملی ناظر به ابعاد مختلف جامعه بشری از فرد تا جامعه و اجتماع، دولت و حکومت می‌باشد. بشر دارای نیروهای مختلفی است که می‌تواند در ساختن این عالم کمک کند، فردوسی به‌عنوان یک شاعر حکیم و دانا این نیروها را درک کرده و ایمان دارد که حکمت عملی سازنده بشر، مدیر جامعه بشری و به سعادت رساننده بشر است و با تطبیق حکمت با شریعت اسلام می‌توان به بالاترین درجات سعادت رسید.

شعر نیز وقتی ارزش پیدا می‌کند که بیان‌کننده حکمت باشد و گرهی از مشکلات حکمی و اخلاقی بازکند، چرا که نیت و هدف در سروده‌های حکمی و تعلیمی، خدایی است و نوعی خدمت به خلق است. زیرا یکی از معضلات مهم هردوره‌ای و همچنین عصر حاضر، فقدان اخلاق و عدم اهمیت به بعد روحی انسان است. از دیرباز شاعران و نویسندگان مسئولیت حساس، ترسیم چهره زیبای فضایل اخلاقی و نیز تصویر زشتی رذایل اخلاقی را برای نشان دادن مرز بین ارزش‌ها و ضدارزش‌ها برعهده داشته‌اند.

کتاب‌های تدوین شده راجع به حکمت قابل توجه است، اما می‌شود گفت که از زمان ارسطو تا به زمان حکیم ابوالقاسم فردوسی فقط به نوشتن کتاب قناعت شد، نه برای این که به آن عمل شود. فردوسی اهمیت حکمت عملی را درک کرده است که حکمت چه جایگاهی دارد و به چه درد می‌خورد و قبل از پرداختن حکمای معروفی - که بعدها ظهور می‌کنند - به این مسئله، حکمت را در

شاهنامه دخیل می‌کند. شاید وی با این کار می‌خواهد اثبات کند که حکمت از ایران نشأت گرفته است.

تاکنون پژوهشگران بسیاری به تحلیل اشعار دهقان طوس دست یازیده و هر یک از دیدگاهی خاص به نظاره اشعار فردوسی پرداخته‌اند، پژوهشگری به ویژگی‌ها و خصائص روحی پهلوانان شاهنامه پرداخته است، مؤرخانی به تفاوت اسطوره‌ها و شخصیت‌های واقعی تاریخی در شاهنامه توجه داشته و محققانی تحلیل روانی شخصیت‌های تاریخی شاهنامه را مدنظر آورده است.

با این‌که فردوسی در دوره‌ای پیش از خواجه نصیرالدین طوسی زندگی می‌کرده است، اما خواجه نصیر و فردوسی هر دو در دوره‌ای زندگی می‌کردند که از لحاظ شرایط اجتماعی تقریباً یکسان بوده است. خواجه نصیر مقارن با حمله مغول و در میان غوغای تعصبات دینی و مبارزه با عقل و دانش تربیت شد. درست همانند فردوسی: «محمود غزنوی «خرد» خردمندان را به بهای زر خریداری می‌کند، و آنان که حاضر به معامله نمی‌شوند یا همچون ابوعلی سینا و ابوسهل مسیحی در بدر و فراری می‌شوند و یا در قتل‌هایی مانند قتل عام ری از دم تیغ می‌گذرند، و دیگران به تهمت و یا به جرم قرمطی بودن بردار کشیده می‌شوند؛ زیرا در این حکومت «جان» را نیز حرمتی نیست.

توده‌های مردم در روزگار فردوسی مانند همه روزگاران دور و نزدیک هنوز محو و کمرنگ هستند. جنگ‌های پیاپی و غارت‌های مداوم، فقر و حقارت را ارزانی این انبوه محو کرده است. وقتی که ملتی فقیر می‌شود، حقیر هم خواهد شد، و این همه، خردی برای خردمندان هم باقی نمی‌گذارد چه رسد به توده‌های محو جامعه.

در این حال و هوای بیداد و غارت و هراس و دلهره چه بسیار اندک‌اند مردانی که در عین بی‌چیزی عزت نفس خود را حفظ نمایند و چون فرخی و عنصری به بوی پسمانده غارت محمود مجیز او را نگویند و خود را در حمایت جلاد مردمان قرار ندهند.

در نظر بسیاری از شاعران و برخی از دانشمندان و فقیهان، خردمندی آن است که آدمی مصلحت کار خویش را چنان تدارک بیند که در نزد قدرتمندان منزلتی پیدا نماید و یا لاقلاً از خشم و غضب آنان در امان بماند. ابوالفضل بیهقی با آنکه خود از خردمندان زمانه است و در هر جای تاریخ خود خواننده را به خرد اندرز می‌دهد، در عین حال، وقتی که از سرنوشت برمکیان یاد می‌کند و

داستان حسنک وزیر را نقل می‌کند، سفارش می‌کند که «چاکران و بندگان زبان باید نگاه‌داشت با خداوندان، که محال است روباهان با شیران چخیدن».

نمونه این‌گونه خردمندی بی‌خطر و بی‌زیان را در نزد بسیاری از شاعران، ناصحان و مؤرخان از جمله ابن خلدون نیز می‌توانیم بینیم که می‌گوید: «فروتنی و چاپلوسی از موجبات به‌دست آوردن جاه است و جاه مایه به‌دست آوردن سعادت و وسیله روزی است، چنان‌که بیشتر از توانگران و سعادت‌مندان بدین خوی متصف اند.»

چنین اندرزهای خردمندانه‌ای نه جرأت می‌خواهد و نه جسارت، نه دلیری و نه شیر دلی، اما خردی که فردوسی به آن سفارش می‌کند از مقوله دیگری است و مردی چون رستم را طلب می‌کند که در برابر زورگویی، غارت، بی‌حرمتی، و بیداد شاهان می‌ایستد، اعتراض می‌کند و می‌جنگد تارفع ستم و بیداد کند و تا وضع موجود را به نفع وضع مطلوب تغییر دهد» (طهماسبی، ۱۳۵۷: ۱۹۷).

با این توصیفات می‌توانیم شاهنامه را نامه ارزش‌ها و اخلاق بدانیم:

دکتر غلامحسین یوسفی درمورد دعوت شاهنامه فردوسی به والایی‌ها و ارزش‌های اخلاقی چنین می‌گوید: «شاهنامه فردوسی ... همه در حمایت دادگری و خرد و مردمی و آزادگی است و راستی و نیکوکاری و وطن دوستی را تعلیم می‌دهد. چه ارزشی بالاتر از این‌که شاهنامه برای انسان کمال مطلوبی می‌آفریند والا و بشری؟ مردمی که امید و آرمان و هدفی نداشته باشند زنده نمی‌توانند بود. پس آن‌که بتواند برای بشریت آمال و مقاصدی شریف بیورود که ارزش آن‌ها جاودانی باشد و خلل نپذیرد، نابغه‌ای است بزرگ.

شاهنامه در خلال داستان‌های دل‌انگیز خود مبشر پیامی است چنین پر نغز و عمیق؛ گویی حاصل همه تجربه‌ها و تفکرات میلیون‌ها نفوس، در فراز و نشیب حیات از پس دیوار قرون به گوش ما می‌رسد که آن‌چه را به‌عنوان ثمره حیات دریافته و آزموده‌اند، صمیمانه با همه درمیان می‌نهند و همگان را به نیک‌اندیشی، آزادمردی، رادپیشگی و دانایی رهنمون می‌شوند. آنجا نیز که اندیشه عمر زودگذر دل‌ها را می‌لرزاند، فکر اغتنام فرصت به ما امید و دلگرمی می‌بخشد» (یوسفی، ۱۳۵۳:

(۲۰)

حماسه ملی ایران «ما را با گذشته پرافتخار و نبردی حق طلبانه و سزاوار آشنا می‌کند که انگیزه برخورد بین نیکی و بدی است. ایرانیان حق طلبانی نیک‌اندیش، پاسدار خصلت‌های انسانی و بشارت‌دهنده آزادی و آزادگی‌اند» (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۸۷).

شرح و بیان مسئله پژوهشی

شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی کتاب بزرگی است که صفحه‌صفحه آن به بررسی فرهنگ این دیار کهن، پرداخته است. این اثر در واقع به منزله شناسنامه فرهنگی ما ایرانیان است. شناخت همه جانبه این اثر در واقع شناخت هویت ایرانی ماست؛ بنابراین جا دارد تمام اجزا و عناصر آن به نحو شایسته بررسی گردد.

اهداف تحقیق مورد نظر

یکی از عناصر اصلی هر اثر پیام‌های اخلاقی آن است و در واقع شاکله هر اثر اعم از حماسی یا غنایی بر موازین اخلاقی آن استوار است؛ بررسی و تحلیل ساختار این اندیشه‌ها و عناصر دخیل در آن‌ها حائز اهمیت بسیار است و نشان‌دهنده جهان‌بینی پیشینیان این مرز و بوم است. این پژوهش بر آن است که با تبیین اندیشه‌های حکیمانه فردوسی در شاهنامه، ساختار فکری فردوسی و جامعه ایرانی و زمینه آشنایی هر چه بیشتر محققین و دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی را با شاهنامه فردوسی و از رهگذر آن با فرهنگ و نگرش گذشتگان این مرز و بوم به حکمت را فراهم کند.

پیشینه علمی موضوع تحقیق

در شرح و تبیین شاهنامه فردوسی کتاب‌ها و آثار متعددی به وسیله اندیشمندان و پژوهشگران نوشته است. در این آثار شاهنامه از جهات گوناگون بررسی و تحلیل شده است؛ اما تا آن جا که نگارنده اطلاع دارد در مورد حکمت عملی و اندیشه‌های حکمی فردوسی در شاهنامه کمتر به بررسی و تحلیل پرداخته‌اند زیرا عده کثیری به شاهنامه صرفاً به عنوان اثری حماسی نگاه می‌کنند و یا اگر تحقیقی را انجام داده‌اند، فقط به توضیح آداب و رسوم و آیین‌های خاص پرداخته‌اند و کم‌تر به مبحث حکمت، آن هم از نوع عملی آن پرداخته‌اند؛ فقط کاری از استاد محمدرضا راشد محصل در مورد حکمت در شاهنامه به عنوان رساله دکتری در سال ۱۳۶۴ صورت گرفته که نگارنده آن را به عینه مشاهده و مطالعه کرده است، وی در این رساله به توضیح حکمت نظری در شاهنامه بر

اساس آراء ارسطو و افلاطون استفاده برده است و در قسمت حکمت عملی از کیمیای سعادت و احیاء العلوم ابوحامدغزالی بهره برده است. اما به تأکید می‌توان گفت که تقسیم‌بندی و فصل‌بندی دقیق و مجزایی هم‌چون تقسیمات موجود در این پژوهش در آن ذکر نشده است. در این پژوهش به بررسی اندیشه‌های حکمی فردوسی و تحلیل آن براساس تقسیم‌بندی‌های اخلاق ناصری پرداخته‌ایم؛ اندیشه‌هایی که فردوسی بیشتر از زبان پهلوانان و حکمای ایرانی شاهنامه بیان می‌کند.

فرضیه‌ها یا سؤال‌های تحقیق

۱. آیا می‌توان یک تقسیم‌بندی از حکمت عملی در شاهنامه مطابق با کتاب اخلاق ناصری انجام داد؟

شرح روش تحقیق

نگارش این پایان‌نامه به روش کتابخانه‌ای انجام شد و به بررسی نظرات مشابه یا متفاوت این دو نویسنده نسبت به یکدیگر راجع به حکمت عملی و اندیشه‌های بخردانه و حکیمانه در دو اثر بزرگشان می‌پردازد. ابتدا به بررسی کتاب‌های مختلفی که در این زمینه موجود بود و نگارنده توانست به آن‌ها دسترسی پیدا کند پرداخته شد، سپس مجموعه کامل شاهنامه چاپ خالقی مطلق مطالعه شد و اشعار مربوط به مبحث حکمت عملی از آن استخراج گردید و به‌عنوان شاهدمثال در فصول این پایان‌نامه ذکر شد. مبنای این پژوهش بر شاهنامه خالقی مطلق است اما به دلیل اینکه برخی از اشعار دارای صبغه حکمی هستند اما در این چاپ وجود ندارد، ضرورتاً در بعضی جاها از نسخه سعید حمیدیان استفاده شده است. اشعاری که به نسخه خالقی مطلق ارجاع داده شده‌اند، با کلمه دفتر مشخص می‌شوند و اشعار نسخه سعید حمیدیان با حرف (ج) که بیانگر کلمه جلد است نشان داده می‌شود. بعد از آن نیز شماره صفحه؛ و در آخر پس از علامت ممیز شماره ابیات ذکر شده است.

پایان‌نامه در بیست و نه فصل بر اساس فصل‌بندی کتاب اخلاق ناصری تنظیم گردید، در مقاله اول که شامل هفت فصل است در آغاز و مبدأ علم اخلاق و تهذیب اخلاق است. مقاله دوم که شامل تدبیر منزل و مقاله سوم در سیاست مدن است. دو مقاله آخر در واقع به عنوان فصول اصلی پایان‌نامه محسوب می‌شود، زیرا دربردارنده بیشترین کمّ اشعار حکمی فردوسی است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقاله اول: تهذیب اخلاق، در مبادی	۱
فصل اول: در معرفت موضوع و مبادی این نوع	۲
فصل دوم: در معرفت نفس انسانی که آن را نفس ناطقه نیز خوانند	۵
۱. اثبات وجود	۵
۲. مدرک به ذات و متصرف به آلات	۶
فصل سوم: در تعدید قوای نفس و تمییز آن از قوت‌های دیگر	۹
معنای لغوی عقل	۱۰
حواس ظاهری	۱۰
قوای باطنی	۱۰
فصل چهارم: در بیان آن که انسان اشرف موجودات این عالمست	۱۳
۱. جسم	۱۵
۲. عقل	۱۷
فصل پنجم: در بیان آن که نفس انسان را کمالی و نقصانی است	۱۹
الف) نظر خواجه نصیر در مورد کمال	۱۹
ب) نظر فردوسی در مورد کمال	۱۹
ج) مقایسه نظر خواجه نصیر و فردوسی	۲۰
فصل ششم: در بیان آن که کمال نفس در چیست؟ و کسر کسانیه که مخالفت حق کرده اند در این باب	۲۱
الف) قوت علمی	۲۱

۲۱ (ب) قوت عملی
۲۳ حکمت نظری در شاهنامه
۲۳ ۱- توحید
۲۴ ۲- نبوت و امامت
۲۷ فصل هفتم: در بیان خیر و سعادت که مطلوب از رسیدن به کمال آن است
۲۷ مفهوم سعادت
۲۷ خیر و شر
۳۰ مقاله اول: تهذیب اخلاق ، در مقاصد
۳۱ فصل اول: در حد و حقیقت خلق و بیان آن که تغییر اخلاق ممکن است
۳۲ الف) تعلیم و تربیت
۳۳ ب) آینده‌نگری
۳۵ فصل دوم: در آن که صناعت تهذیب اخلاق شریف‌ترین صناعات است
۳۵ ۱- نظر خواجه نصیردرمورد تهذیب اخلاق
۳۵ ۲- نظر فردوسی درموردتهذیب اخلاق
۳۶ ۳- نتیجه مقایسه هردو
۳۷ فصل سوم: درحصر اجناس فضایل که مکارم اخلاق عبارت از آن است
۳۷ الف) خواجه نصیر و مکارم اخلاق
۳۸ ب) فردوسی و مکارم اخلاق
۳۸ حکمت
۳۹ عفت و پاکدامنی

- ۴۰ عدالت
- ۴۱ شجاعت
- ۴۲ فصل چهارم: در انواعی که تحت اجناس فضایل باشند
- ۴۳ انواع فضیلت های حکمت
- ۴۳ الف) ذکا
- ۴۳ ب) حسن تعقل
- ۴۴ انواع فضیلت های شجاعت
- ۴۴ الف) حلم
- ۴۴ ب) شهامت
- ۴۵ انواع فضیلت های عفت
- ۴۵ الف) رفق
- ۴۵ ب) قناعت
- ۴۵ ج) وقار
- ۴۶ د) سخا
- ۴۶ ه) عفو
- ۴۷ و) مواسات
- ۴۷ انواع فضیلت های عدالت
- ۴۷ الف) صداقت
- ۴۸ ب) وفا
- ۴۸ ج) مکافات

۴۸ (د) توکل
۴۹ (ه) عبادت
۴۹ تفاوت آراء بین خواجه نصیر و فردوسی
۵۰ فصل پنجم: در حصر اضداد این اجناس که اصناف ردایل بود
۵۰ ۱- جهل
۵۱ ۲- گزافه‌گویی
۵۲ ۳- ریاکاری
۵۲ ۴- کاهلی
۵۲ ۵- عجله
۵۲ ۶- دروغ
۵۳ ۷- بدگوهری
۵۳ ۸- بی‌آزاری
۵۴ ۹- غرور
۵۴ ۱۰- شره
۵۵ ۱۱- سخن‌چینی
۵۵ ۱۲- غیبت
۵۵ ۱۳- ظلم و ستم
۵۵ ۱۴- عیب‌جویی
۵۶ هدف فردوسی از به‌کاربردن آموزه‌های اخلاقی
۵۸ فصل ششم: در فرق میان فضایل و آن‌چه شبیه فضایل بود به احوال

۵۸	الف) نظر خواجه نصیر
۵۹	ب) نظر فردوسی
۶۱	فصل هفتم: در بیان شرف عدالت بر دیگر فضایل و شرح احوال و اقسام آن
۶۱	الف) عدالت از دیدگاه خواجه نصیر
۶۲	ب) عدالت از دیدگاه فردوسی
۶۶	فصل هشتم: در ترتیب اکتساب فضایل و مراتب سعادت
۶۹	فصل نهم: در حفظ صحت نفس که آن بر محافظت فضایل مقصور بود
۶۹	راهکارهای خواجه نصیر
۷۰	راهکارهای فردوسی
۷۲	فصل دهم: در معالجت امراض نفس و آن بر ازاله رذایل مقدر بود
۷۲	الف) پند
۷۳	ب) یاد مرگ
۷۴	مقاله دوم: تدبیر منازل
۷۵	فصل اول: در سبب احتیاج به منازل و معرفت ارکان آن و تقدیم آن چه مهم بود در این معنی
۸۱	فصل دوم: در سیاست اموال و اقوات
۸۲	طبقه‌بندی مشاغل در شاهنامه
۸۲	۱ - کشاورزی
۸۴	میزان حمایت از کشاورزان
۸۵	۲ - دامپروری
۸۵	اهمیت دامپروری در شاهنامه

۸۵ میزان حمایت دولت از دامپروری
۸۶ ۳ - آهنگری
۸۶ ۴ - نساجی
۸۹ فصل سوم: در سیاست و تدبیر اهل
۸۹ نظر خواجه نصیر و فردوسی در سیاست زنان
۸۹ الف) عدم افراط در محبت زن
۹۰ ب) عدم مشورت با زنان در مصالح کلی
۱۰۰ فصل چهارم: در سیاست و تدبیر اولاد
۱۰۰ ۱- نام‌گذاری
۱۰۱ ۲ - دایه
۱۰۱ ۳ - نیاز به معلم
۱۰۴ ۴ - بازداشتن فرزند از دروغ
۱۰۴ ۵ - دوری از سخن نابه‌جا
۱۰۵ ۶ - آموختن فضایل به جوانان
۱۰۶ ۷ - حقوق پدر و مادر بر فرزند
۱۱۲ ۸ - سرکوب رذایل در فرزندان
۱۱۵ فصل پنجم: در سیاست خدم و عبید
۱۱۵ صفات خدم
۱۱۸ مقاله سوم: در سیاست مدن
۱۱۹ فصل اول: در احتیاج خلق به تمدن و شرح ماهیت و فضیلت این نوع علم

۱۱۹.....	الف) نیاز انسان به تمدن
۱۲۲.....	ب) لزوم وجود مدبر
۱۲۳.....	ج) انواع اجتماع
۱۲۴.....	فصل دوم: در فضیلت محبت که ارتباط اجتماعات بدان صورت بندد و اقسام آن
۱۲۷.....	فصل سوم: در اقسام اجتماعات و شرح احوال مدن
۱۲۷.....	الف) فاضله
۱۲۸.....	ب) غیر فاضله
۱۳۰.....	فصل چهارم: در سیاست و آداب ملوک
۱۳۰.....	خصال ملوک
۱۳۱.....	اقسام عدالت پادشاه
۱۳۱.....	۱ - داد
۱۳۲.....	۲ - جور و ستم
۱۳۴.....	۳ - راستی و صداقت
۱۳۵.....	۴ - نیکی کردن
۱۳۶.....	۵ - حمایت از رعایا
۱۳۸.....	۶ - بذل و جود پادشاه
۱۳۹.....	۷ - عفو و اغماض
۱۴۰.....	۸ - بیداری و حزم
۱۴۱.....	۹ - اعوان صالح
۱۴۳.....	۱۰ - گوهر پادشاه

۱۴۳.....	تدبیر فردوسی در مورد دشمنان
۱۴۶.....	توصیه‌های دیگر فردوسی در باب مملکت‌داری
۱۴۹.....	فصل پنجم: در سیاست خدم و آداب اتیاع ملوک
۱۴۹.....	مقایسه نظرات خواجه نصیر با آراء فردوسی
۱۵۵.....	فصل ششم: در فضیلت صداقت و کیفیت معاشرت با اصداقاء
۱۵۶.....	الف) صفات دوستان واقعی
۱۵۷.....	ب) حقوق دوستان بر یکدیگر
۱۵۸.....	ج) پرهیز از دوستی با دوست نمایان
۱۶۰.....	فصل هفتم: در کیفیت معاشرت با اصناف خلق
۱۵۹.....	سیاست فردوسی در مورد مدعیان دوستی
۱۶۱.....	الف) عدم مصاحبت با بدخوی‌ها
۱۶۲.....	ب) مدارا و صلح
۱۶۲.....	سیاست فردوسی در تعامل با دشمنان
۱۶۵.....	نتیجه‌گیری
۱۶۷.....	منابع و مأخذ

مقاله اول

در تهذیب اخلاق

در مبادی که شامل هفت فصل است